

معماری اسلامی؟؟؟

امیر حسین فرشچیان

تعریف ابتدایی:

معماری اسلامی یعنی هر بنایی که گنبد و گلدسته دارد و معماری آن با عناصر طاق، طاقنما، رواق، هشتی، مقرنس و امثال این موضوعات پیوسته باشد.

پس بناهایی که گنبد و گلدسته و طاق و قوس و مقرنس و غیره دارند و در هر جایی قرار دارند، با هر مقیاس، اندازه، نیت و مقصود، معماری اسلامی‌اند و هر بنایی که این عناصر را ندارد معماری غیر اسلامی است.

ساختمان‌هایی چون مساجد، مدارس علوم دینی و بقاع متبرک به جهت استفاده از پوشش گنبدی، گلدسته، طاق و رواق نیز مصادیق بارز معماری اسلامی هستند.

(معبد پانتئون با گنبد سده اول و دوم قبل از میلاد، کلیسای ایاصوفیه با گنبد و مناره و کلیسای سن پتر با گنبد و مناره ناقوس‌دار) = (معماری مسیحی اسلامی است) یا (معماری اسلامی مسیحی است).

تعریف ابتدایی:

امیر حسین فرشچیان

3

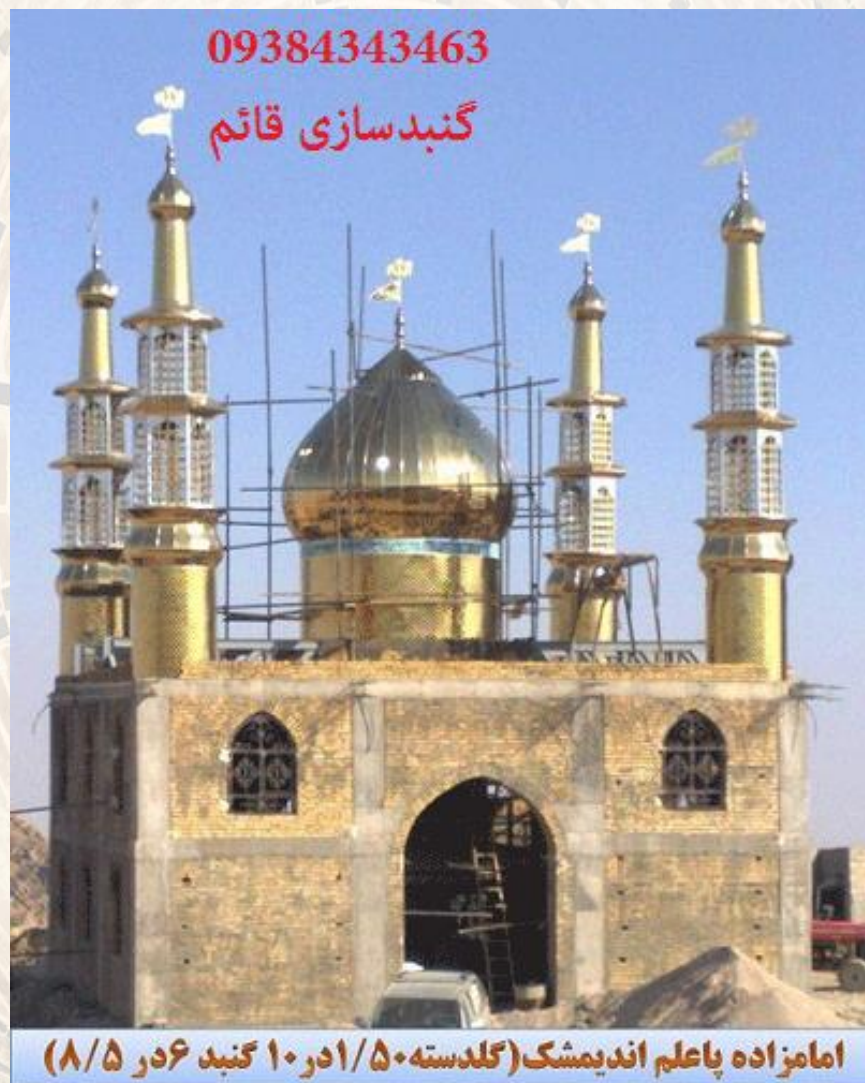


تعریف ابتدایی:

امیرحسین فرشچیان



تعریف ابتدایی:



امیرحسین فرشچیان

تعریف ابتدایی:

گنبد فایبرگلاس مطابق با
کلیه شرایط آب و هوایی



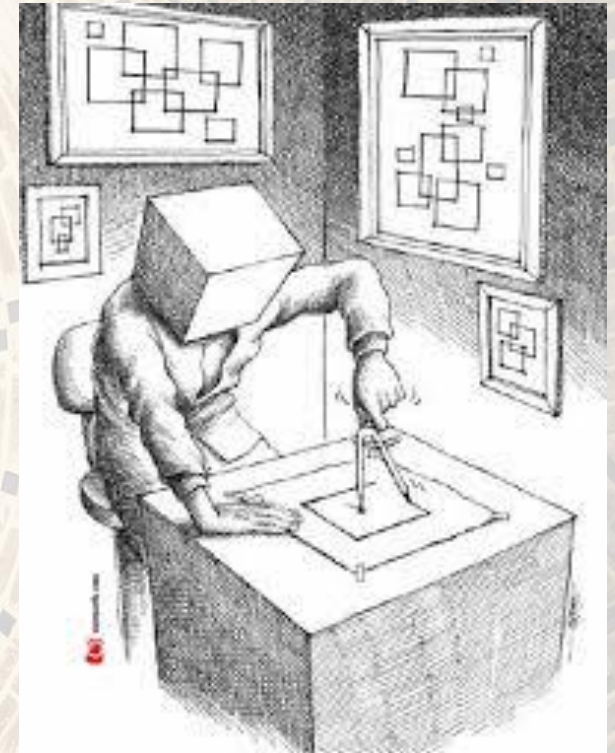
تعریف دیگر:

آن دسته از بناها که پس از ظهور و نشر اسلام در ایران و یا سایر سرزمین مسلمین و بر اثر تأثیرات ناشی از آن ایجاد گردیدند.
استالین: هر که با ما نیست، حتماً علیه ماست پس هر آنچه معماری مذهبی اسلامی نیست
حتماً معماری غیر اسلامی است.

تعریف دیگر:

معماری است که به هر شکل و شمایل و با هر عملکردی اعم از مذهبی و یا غیر مذهبی، به دست مسلمین و در کشورهای مسلمان نشین تحقق می‌یابد.

عمران و آبادانی قوی و غنی ملل غیرمسلمان چپاولگر، به پشته‌خانه ثروت و رفاه به یغما
برده از ملل اسلامی ضعیف و تحت ستم و یوغ استعمار است.
ضعف و حقارت معماری بی هویت و فقیرانه ملل مسلمان از سر فقر تحمیلی زور مداران و
غارتگران بین المللی از قرون اولیه و وسطی تا قرون اخیر سرچشمه می‌گیرد.



عقل و منطق:

معماری اسلامی:

- الف- معماری با دهانه‌های وسیع، به همراه گنبد و طاق پوشیده و استفاده از گلدسته و رواق و کاشی و آینه بندی و مقرنس نیست؛
- ب- به معماری مساجد، ابنیه مذهبی، بقاع متبرک و امامزاده ها اطلاق نمی گردد؛
- ج- آن گونه معماری که فقط در بین ملل مسلمان رایج باشد نیست؛
- د- معماری بعد از انقلاب نیست.

فرهنگ:

ملت‌ها بر اساس باورها، اعتقادات، سنت‌ها و آداب خود شکل می‌یابند و با گذشت زمان قرون قوام و هویت یافته و بر اساس هویت‌های متفاوت از ملل دیگر متمایز می‌گردند. فرهنگ اسلامی نیز آن افکار و اندیشه‌ها و ارزشهای مکتب دین اسلام است، پس معماری نیز خود بخشی از فرهنگ ملت و مسلمین است. معماری نشأت یافته از تفکرات، اندیشه، فلسفه و معرفت اسلامی که جوهره آن از فرهنگ اسلامی می‌باشد.



معماری بارزترین خلاقیت انسان است.

معماری مخلوق انسان است پس همچون انسان:

الف- دارای صورت، قالب و نمود ظاهری است؛

ب- دارای معنی، محتوا و نمود باطنی است.



ظاهر:

سازه، فن ساختمان و دانش ساخت:

پوشش یک دهانه با مصالح متفاوت، با این تکنیک طاق و یا آن تکنیک طاق، با این نوع گنبد یا آن نوع سقف مسطح مسئله سازه‌ای است و نوع و صحت فنی و دقت اجرایی آن به دانش ساختمانی ملت‌ها وابسته است.

فن و تکنیک و نمود سازه‌ای مانند گنبد، پوشش مسطح، طاق، طاقنما، مقرنس و نظایر آنها نمی‌تواند به عنوان معرف و راهنما و شاخص‌هایی برای معماری اسلامی تلقی گردد.

دین و آیین و فرهنگ یک ملت در معنی و جوهر و بخش نمود باطنی معماری توان تجلی دارد.

معماری از منظر اسلامی

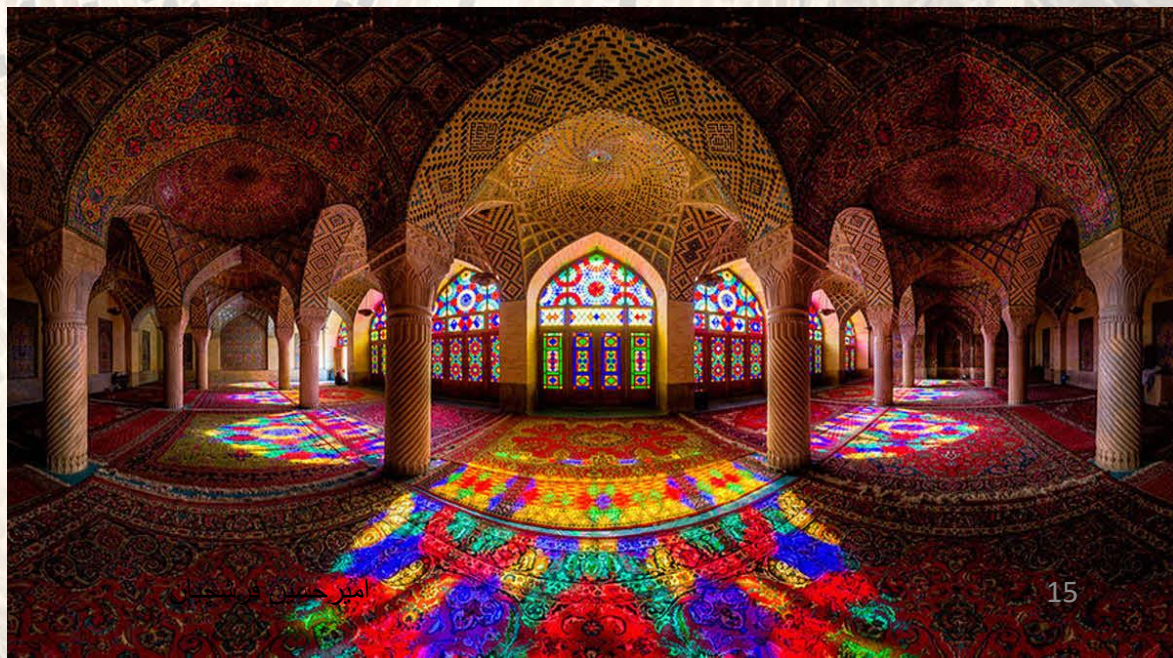
ظاهر:



امیر حسین فرشچیان

باطن:

ارزش‌ها تعیین‌کننده روح معماری هستند پس در معماری اسلامی ارزش‌های اسلامی تعیین‌کننده جان معماری هستند و صفت اسلامی می‌یابند.
باید به دنبال ارزشهای اسلامی قابل طرح در معماری بود و تجلی و تبلور عینی و ملموس این ارزشها را در قالب معماری شناسایی کرد.



عقل استعداد ویژه انسان است، مستقل از موجودیت دین و آیین و مذهب، در کلیت بشر وجود دارد و ربطی هم به مسلمان و بودایی و مسیحی و کافر و مشرک ندارد.

عقل در فقه اسلامی موضوعی ویژه، از ارکان اربعه اجتهاد در کنار قرآن و سنت و اجماع است و هر چه را که شرع بدان رضا دهد، عقل نیز بدان رضا می دهد.

عقل و اجماع که مستقل از دین وجود دارند و اسلام به شدت بر این دو تاکید دارد، از بارزترین مشترکات بین تمامی انسانهای روی زمین و فارغ از نوع دین و آیین و مذهب آنان است و قطعاً نوعی از صفت اسلامی است.

حال این اعمال و رفتار از هر قوم و ملتی و با هر دین و آیینی که باشد،
فرقی نمی‌کند و حتی از آنجا که ارزش‌های مد نظر قرآن و سنت فطری
انسان است، ممکن است که ناخودآگاه حتی رگه‌هایی از این ارزش‌ها در
بین بعضی از افعال و رفتار جمعی، قومی و ملتی که از فطرت خود دور
نشده‌اند و منجمله در رفتار معماری آنان نیز رایج و معمول باشد مانند
بعضی از اخلاقیات حسنه زیستی اجتماعی، احساس حیا و نجابت، خصلت
صرفه جویی، حجاب خانوادگی و اجتماعی.

ممکن است قوم و ملتی نام اسلام را نشنیده باشند ولی معماری آنان
حامل ارزشهای مورد علاقه اسلام باشد و چه بسا بالعکس.

معیار، حضور عقل و حضور ارزشهای مورد تایید اسلام است،
حال این گونه معماری می تواند در هر جا و به دست هر کس و به هر شکل
و شمایل باشد.
معماری سنتی و بومی ملل، معماری مدرن و صنعتی ملل پیشرفته صنعتی
دنیا نیز به همین صورت.



معماری از منظر اسلامی

عقلانی و مدبرانه بودن معماری در هر بوم و اقلیم متفاوت شکل و گونه ویژه به خود را می‌گیرد و نمود عینی کاملاً متفاوتی را منطقاً عرضه می‌دارد. معماری اسکیموهای قطبی همانقدر می‌تواند عقلانی باشد که معماری حصیری مناطق استوایی. معماری مدبرانه یزد و مناطق کویری همانقدر عقلانی می‌تواند باشد که معماری روستای کورمه ترکیه و کندووان ایران. اگرچه هیچ شباهت فیزیکی و عینی به هم ندارند



ارزش عقل و تدبیر در اسلام همواره ثابت و مطلق اند و از هر زمان و مکانی مستقل.

معماری باید متناسب با شرایط آب و هوایی، بوم و اقلیمی باشد: بومی بودن معماری به عنوان ارزش

مدبرانه است که معماری هر منطقه متکی به مصالح موجود در خود آن منطقه باشد و دچار ضعف احتیاج به خارج از منطقه خود نباشد: مصالح مناسب و خودکفا به عنوان ارزش

قوت و اعتلاء است که معماری بین هر قوم و ملتی متکی به دانش و بینش و فن و سازه متین و صحیح مردمان منطقه و اقلیم باشد: فن و سازه تکنیکال به عنوان ارزش (محتاج فکر و دست دیگران یک ضعف است حتی اگر عرف شده باشد).

مقیاسها، ابعاد و اندازه ها از هندسه قدر به اندازه لازم و کافی باشد، نه آنچنان زیاد و مصرفانه نه آنچنان محقر و کوچک، نه آنچنان بلند و مغرور نه آنچنان کوتاه و مقهور:
هندسه مقیاس به عنوان ارزش

اقتصادی و مطلوب بودن معماری خارج از اصراف در همه چیز: دوری از اصراف در هر زمینه معماری به عنوان ارزش

معماری هدفی دارد، عملکردی را باید پاسخ دهد و فایده‌ای داشته باشد و در واقع عملکرد مطلوب لازم را برای نیتی که بخاطر آن ایجاد گردیده: عملکردگرایی مفید بودن معماری به عنوان ارزش

معماری جامعه‌ای برای خود دارد، با نوع معیشت جامعه، مردم زیادی با اقتصاد میانگین بین خود و آن شباهتی که به این واسطه بین آنها بوجود می آید: معیشت جامعه به عنوان ارزش

معماری برای همه مردم باشد، نمایی از عدالت اجتماعی باشد فقر و ثروت را به رخ نکشاند که جامعه افسرده و مغرور گردد، شناسنامه مردمی متحد باشد و هویت نماد آن باشد: مردمدار بودن معماری به عنوان ارزش

معماری باید حافظ کرامت، عزت نفس و اخلاق در جامعه و انسان ها باشد؛

معماری باید با طبیعت که آرامشبخش روحیه انسان است عجین باشد؛
معماری باید بعد تفکرمدار بودن انسان را حفاظت بخشد و محملی برای آن گردد؛

مکانی برای زندگی شرافتمندانه باشد؛
معماری باید در حد تشخص اجتماع باشد نه قصر و نه خرابه باشد،
غناي هویت و شکوه و افتخار مردمان را نشان دهد؛

معماری باید جمع کننده انسانها به دور هم جهت قوت آنها باشد و با تفرق و دوری گزینی حاصل از بی عدالتی دور باشد؛
هنر آمیخته با وجود انسان است پس آمیخته با معماری باید باشد؛
انسان تقدیس کننده زیبایی است پس معماری باید زیبا باشد که انسان را ارزش بداند؛
معماری وسیله ای است که در بعد انسانی روانبخش است در در بعد الهی رساننده خیال وی به معبودش؛
معماری محل سکونت است یعنی محل آرامش است پس باید آرامش بخش باشد.

- گزارشات کلاس معماری و فرهنگ اسلامی به مدیریت دکتر عیسی حجت، دکتر پریسا هاشمپور و جمع آوری: مریم سلیمانی، ناهیده رضایی، سونیا سیلوایه، معین آقائی مهر و امیرحسین فرشچیان. ۱۳۹۶. تبریز: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ندیمی، هادی. ۱۳۸۰. بهاء حقیقت، مدخلی بر زیبایی شناسی معماری اسلامی. صفه، شماره ۳۳.
- هوگ، جان. ۱۳۸۱. هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی. ترجمه پرویز ورجاوند. تهران.
- مکی نژاد، مهدی. ۱۳۸۷. تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی. تهران: انتشارات علوم انسانی.
- نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری. تهران: انتشارات مسکن و شهرسازی.
- یوسف کیانی، محمد. ۱۳۶۶. معماری ایران در دوره اسلامی. تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- پورپیوار، ناصر. ۱۳۷۶. معماری و هنر سرزمین‌های اسلامی. تهران: انتشارات کارنگ.
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۸۵. معماری و هنر اسلامی. ترجمه اردشیر اشراقی. تهران: انتشارات روزنه.
- ندیمی، هادی. ۱۳۸۶. کلک دوست. اصفهان: انتشارات فرهنگ شهرداری.
- حجت، عیسی. ۱۳۸۴. هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز. هنرهای زیبا: شماره ۲۴.
- حجت، عیسی. ۱۳۸۱. حرفی از جنس زمان. هنرهای زیبا. شماره ۱۲.
- حجت، عیسی. ۱۳۹۲. سنت سنت گرایان و سنت گرایان معماران. نشریه هنرهای زیبا. ۱۶-۵.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۱. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۹. سبک شناسی معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سروش دانش.